نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۹۸، صفحات ۳۹۹ تا ۴۰۶

بررسی سلامت معنوی از دیدگاه ابن‌سینا و ضرورت توجه به آن در طب جدید

مریم شمسایی[1*]، سیدضیاءالدین تابعی[2]

چکیده

زمینه و هدف: از دیر زمان یکی از ارکان مهم درعلم پزشکی توجه به بعد معنویت و روح انسان‌ها بوده است چنانکه در گذشته طبیب را حکیم می‌نامیدند چرا که وی علاوه بر علم طبابت درعلوم دیگر از جمله فقه، فلسفه، حکمت، حتی ریاضیات و نجوم نیز تبحر داشت؛ اما معنویت به تمامی امور جهت الهی و معنوی داده و آثار و ثمرات زندگی‌ساز آن در تمام سطوح، سلامتی و حیات معنوی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد؛ لذا توجه به بعد روحانی و معنویت در انسان کمک شایانی به کاهش بیماری‌ها کرده و سلامتی و حیات معنوی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. در این مقاله هدف بررسی سلامت معنوی از دیدگاه ابن‌سینا و ضرورت توجه به آن در طب جدید است.

روش: این مطالعه مروری و نیز ارائه نظریه نویسندگان است.

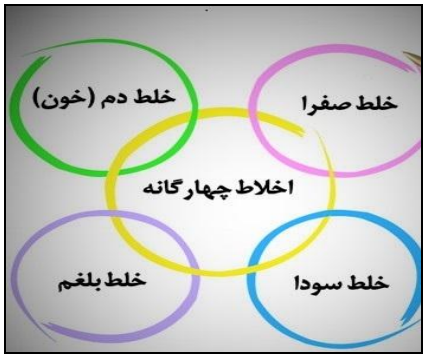
یافته‌ها: امروزه اندیشمندانی چند در جهان به سلامت معنوی توجهی خاص نشان داده‌اند. در ایران اسلامی این امر دارای قدمتی بس طولانی است. مطالعه آثار ابوعلی‌سینا، بیانگر شناخت و نگاه عمیق و مبنایی اسلامی وی به بعد معنوی سلامت است. وی معتقد بود که سلامت جسم و نفس انسان به سلامت روح بستگی دارد. نفس انسان رابط میان روح و بدن او و معنویت براساس نظریه ابن‌سینا ودیعه ای است که خداوند به وسیله عقل نظری و عملی به انسان هدیه کرده است «نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی».

نتیجه‌گیری: حکیم ابوعلی سینا به این بعد معنوی سلامت قائل بوده، این بعد را بر مبنای آموزه‌های اسلامی شناسایی و توصیف و توصیه نموده، در کنار ابعاد دیگر سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی)، جامعیت و کل‌نگری در طب و سلامت را معرفی و توصیه کرده است.

کلید واژه‌ها: ابن‌سینا، درمان‌های جسم و جان، سلامت معنوی، هویت اجتماعی

مقدمه

ابن‌سینا یکی از فیلسوفان و پزشکان بزرگ جهان اسلام است که آوازه وی در شرق و غرب عالم پیچیده است. می‌توان اذعان داشت که وی اندیشمندی است متبحر در چندین بعد. نخستین بُعد، بُعد طبابت جسمانی بوده که در اکثر کشورهای جهان شناخته شده است و دانش وی در جهان تحت عناوین: طب هندی، طب چینی، طب بین‌النهرینی و طب یونانی که امروزه به طب سنتی کشورهای مختلف معروف است یاد می‌شود. ابن‌سینا با استفاده از طب جالینوسی براساس تعادل عناصر چهارگانه بیرونی و اخلاط چهارگانه درون انسان که آن را متحول می‌کند و نظریه مزاج را مطرح می‌سازد، یک مزاج مرکزی را در نظر گرفته که مزاج‌هایی وابسته به اخلاط (سودایی، بلغمی، صفراوی، خونی (دموی)) هستند. ابن‌سینا براساس ارتباط میان نفس با این اخلاط آن را به شکل پدیده نفس و بدن در نظر می‌گیرد در صورتی که اختلالاتی که در نفس



شکل ۱

یا روان ایجاد و باعث بیماری جسمانی می‌شود امروزه به عنوان سایکوسوماتیک یا بیماری روان‌تنی که به صورت اختلال بدنی تحت تأثیر ذهن قرار دارد ایجاد می‌شود(۱).

بنابراین ابن‌سینا طب یونانی جالینوس را با استفاده از آموزه‌های قرآن

۱. * نویسنده مسئول: دانشیار گروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات قرآن، حدیث و طب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۲. استاد گروه پاتولوژی و مدیر گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

و اهل بیت، تعالی بخشیده و تبدیل به طب سینوی کرد. در اینجا بود که ابن‌سینا در طب سینوی از روش‌های تجربی بسیار استفاده کرده است، مانند دانش پزشکی امروزه که بر مبنای تجربه استوار است ابن‌سینا نیز از روش تجربی استفاده می‌کرد مانند عمل تشریح که در کتاب قانون به آن اشاره کرده بنابراین مشخص است که به عمل کالبد شکافی نیز پرداخته است(۲).

دومین بعد ابن‌سینا که مهم‌تر از بعد طب جسمانی وی است، بعد فلسفی اوست که بر روی مباحث نفس و عقل بسیار کار کرده است. در زمان ابن‌سینا ترجمه آثار یونانی در جهان اسلام بسیار قوت گرفت. منتها ابن‌سینا یک مترجم ساده نیست؛ چرا که با تعمق در فلسفه یونانی که از سقراط، افلاطون و ارسطو به جا مانده و در زیر توجهات وی به قرآن و اهل بیت(ع) فلسفه یونان را بارور کرده که باعث ایجاد و اعتلای فلسفه اسلامی شده است. اگرچه وی را از لحاظ تفکرات فیلسوفی جزء فیلسوفان مشایی می‌دانند؛ اما برخلاف این تصور مشی وی برگرفته از ترجمه دیدگاه مشاییان یونان نیست؛ بلکه برگرفته از آموزه‌هایی است که از قرآن صامت و قرآن ناطق (اهل بیت) اخذ کرده است که این امر باعث خلق فلسفه‌ای به نام فلسفه اسلامی شده. ابن‌سینا نخستین فیلسوفی است که اساس فلسفه‌اش را بر انسان‌شناسی گذاشته است. انسان معاصر مهم‌ترین دغدغه‌اش بازیابی هویت انسانی و خویشتن و آگاهی از جایگاه انسان است این بدون فهم عوالم معنویت و عقلانیت و حیات اخروی امکان‌پذیر نیست. سومین بعد از وجود ابن‌سینا، بعد عرفانی وی است. که در اواخر عمر به عرفان گرایش عمیقی پیدا کرد به‌طوری که در کتاب اشارات و تنبیهات در نمط ۸، ۹ و ۱۰ به مباحث عرفانی پرداخته است. ابن‌سینا را می‌توان پایه‌گذار حکمت متعالیه ملاصدرا دانست؛ چرا که وی فلسفه مشاء، فلسفه اشراق را با قرآن و برهان تکمیل کرده است که این سرآغاز حکمت متعالیه است.

براین‌اساس می‌توان ابن‌سینا را پایه‌گذار طب سینوی و به‌ویژه پیشرفت‌هایی که در علم روان‌شناسی و روح‌شناسی ایجاد شده، دانست.

نفس‌شناسی

نفس در لغت به معنای شخص، روح، خون، حقیقت شیء، قصد و نیت به کار رفته است (۳). افلاطون نفس را اینگونه تعریف می‌کند: "النفس مبدأ الجسم و حرکته:نفس علت حیات جسم و حرکت جسم است (حیات به معنای عامل تغذیه، رشد و تولیدمثل است)(۴). ارسطو نیز نفس را کمال نخستین برای جسم طبیعی دارای اندام (ارگانیک) تعریف کرده. در اینجا "کمال" در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که نوع (مانند: انسان، درخت سیب، اسب) در ذات یا صفات خود با آن تمام شود. بنابراین نفس چیزی است که حقیقت اجسام طبیعی دارای عضو را تشکیل می‌دهد.

ابن‌سینا معتقد است که "النفس قوة فی الجسم تکون مبدأ لصدور افاعیل لیست علی و تیرة واحدة عادمة للارادة؛ «نفس نیرویی در جسم است که مبدأ صدور کارهایی می‌شود که یکنواخت غیرارادی نیستند» (۵).

در میان آثار فلاسفه با چند نوع نفس مواجه می شویم به‌طور مثال ارسطو معتقد است که نفس سه گونه است:

۱. نفس نباتی کمال اول برای جسم طبیعی و عضودار (ارگانیک) است که جذب و دفع، رشد و تولیدمثل می‌کند. این نفس در گیاهان و درختان وجود دارد که با آن، از دیگر اجسام متمایز می‌شوند.
۲. نفس حیوانی کمال اول است برای جسم طبیعی عضوداری که افزون بر جذب و دفع، رشد و تولیدمثل دارای نیروی احساس است و با اراده حرکت می‌کند. همه حیوانات دارای این نفس هستند.
۳. نفس انسانی که استنباط آرا می‌کند و افعال فکری و حدسی انجام می‌دهد. انسان افزون بر قوای نفس نباتی و حیوانی، دارای نیروی عقل و ناطقه است و با همین قوه از دیگر حیوانات تمایز می‌یابد؛

موجوداتی که دارای نفس نباتی هستند فقط واجد قوه غاذیه‌اند؛ اما نفس حیوانی علاوه بر قوه غاذیه دارای قوای حسی است و همین قوای حسی نفس حیوانی را از نفس نباتی متمایز می‌سازد. نفس حیوانی از آنجایی که دارای قوه حساسه است، واجد قوه شوقیه هم می باشد؛ همچنین برخی از نفوس حیوانی دارای قوه حرکت مکانی هم هستند؛ اما همه حیوانات دارای چنین قوه‌ای نهستند. نفس انسانی، نفسی است که واجد تمامی این قواست، یعنی علاوه بر قوه غاذیه و حساسه و شوقیه و قوه حرکت مکانی، دارای قوه ناطقه یا عقل هم می‌باشد و توسط قوه ناطقه از حیوان متمایز می‌شود(۶).

انسان به‌وسیله عقلانیت و ناطقیت می‌تواند عروج یافته و از جن و ملک درگذرد (فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى. تا جایی که فاصله‌اش به اندازه دو کمان یا کمتر شد. (سوره نجم آیه ۹) در تفسیر قمی به سند خود از ابن‌سنان روایت آورده که در ضمن آن گفته است : امام صادق (علیه‌السلام) در معنای (قاب قوسین) فرمود: چون آن جناب، یعنی رسول خدا (صلی‌اللّه علیه‌وآله‌وسلم)، نزدیک‌ترین خلایق بود به خدا، و آنقدر نزدیک بود که در شب معراج وقتی به آسمان بالا می‌رفتند جبرئیل مرتب می‌گفت: جلوتر برو ای محمد، برو که در جایی قدم نهاده‌ای که نه هیچ ملکی مقرب قدم نهاده و نه هیچ رسولی مرسل و اگر روح و جان آن حضرت نمونه‌ای از آن عالم نبود، هرگز نمی توانست به آنجا برسد، و در نزدیکی به خدا به حدی رسید که خدای تعالی درباره‌اش فرمود: (قاب قوسین او ادنی) یعنی بلکه کمتر از دو قوس(۷).

به اعتقاد ابن‌سینا، انسان دارای قوای نفس حیوانی و نباتی است و همچنین نفس ناطقه است که مشتمل بر دو قوه عالمه و عامله است:

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

"حدث الانسان، و تجتمع فیه جمیع اقوی النباتیه و الحیوانیه، و تزداد نفساً تسمی ناطقه. ولها قوتان: قوه مدرکه عالمه و قوه محرکه عالمه"(۸). ابن‌سینا این قوا را این‌گونه تعریف می‌کند:

نفس نباتی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی ازجهت تولید مثل و نمو و تغذی است.

نفس حیوانی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی ازجهت ادراک جزئیات و حرکت ارادی است.

نفس انسانی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی است، ازآن‌جهت که با اختیار فکری به فعل می‌پردازد و دارای استنباط رأی و مدرک کلیات است(۹).

ابن‌سینا می‌گوید: انسان در قوای حیوانی دارای دو قوه است: ۱- شهوت ۲- غضب. امروزه به آن هیجان مثبت یا جذبی و یا هیجان منفی یا دفعی تعبیر می‌شود. اساس خلقت کل موجودات همانند خالق خود براساس عدل و تعادل است. جذب و دفعی که در عالم نباتی و حیوانی است بایستی متعادل باشد. در انسان تعادل هیجان جذبی و دفعی بر عهده عقل او است. لذا ابن‌سینا برای نفس انسانی یک قوه قائل شده به نام عقل که دارای دو جنبه است: عقل عملی (یا قوه عامله) و عقل نظری (یا قوه عالمه) تقسیم کرده است. ابن‌سینا کار عقل نظری را صدق و کذب و کار عقل عملی را خیر و شر در جزئیات می‌داند به عبارت دیگر، عقل عملی آن است که اخلاق از آن آید و استنباط صناعات کار او باشد و هر گاه بر شهوت و غضب و دیگر قوه‌های بدنی چیره شود، از وی اخلاق نیکو بر آید و هر گاه که مقهور شهوت و غضب گردد از وی اخلاق بد آید. عقل نظری آن است که درک معقولات کند یعنی نیرویی که قادر به ادراک عقلی باشد. عقل نظری، بالقوه قادر به آن است که به جانب علوی و ملأاعلی و به سوی بالا اوج گیرد تا از آن سو، از مبادی نظری و مجرد مستفیض شود. ابن‌سینا برای عقل نظری یا نفس ناطقه چهار مرتبه قائل شده که عبارتند از ۱ - عقل هیولانی: قوه‌ای است که نفس را برای دریافتن معقولات آماده کند (آن را عقل بالقوه نیز می‌نامند). ۲- عقل بالملکه: زمانی که نفس دانش‌های نخستین را دریافته و برای دریافتن معقولات ثانویه آماده باشد. ۳ - عقل بالفعل: زمانی است که عقل به یاری معقولات اولیه و بدیهی، خود را به درک معقولات ثانوی، که اکتسابی‌اند می‌رساند. این معلومات در نفس انسان ذخیره می‌شوند و خود فرد نیز به این آگاهی‌ها وقوف دارد. ۴ - عقل مستفاد: آن است که نفس به‌طور واقعی و فعلاً به مشاهده معقولات می‌پردازد. نفس می‌داند که بالفعل به تعقل آن‌ها اشتغال دارد(۸).

هویت شناسی

انسان باید بتواند از عقل عملی و نظری خود یاری جسته تا بتواند هیجانات دفعی و جذبی خود را شناخته تا اراده‌اش را قوی کرده تا بتواند جذب و دفع را متعادل نماید. برای روشن شدن موضوع می‌توان هویت‌های انسان‌ها را از پایین به بالا اینگونه تقسیم‌بندی کرد:

۱. هویت جمادی و جسمانی
۲. هویت نباتی
۳. هویت حیوانی
۴. هویت معرفتی - ارادی

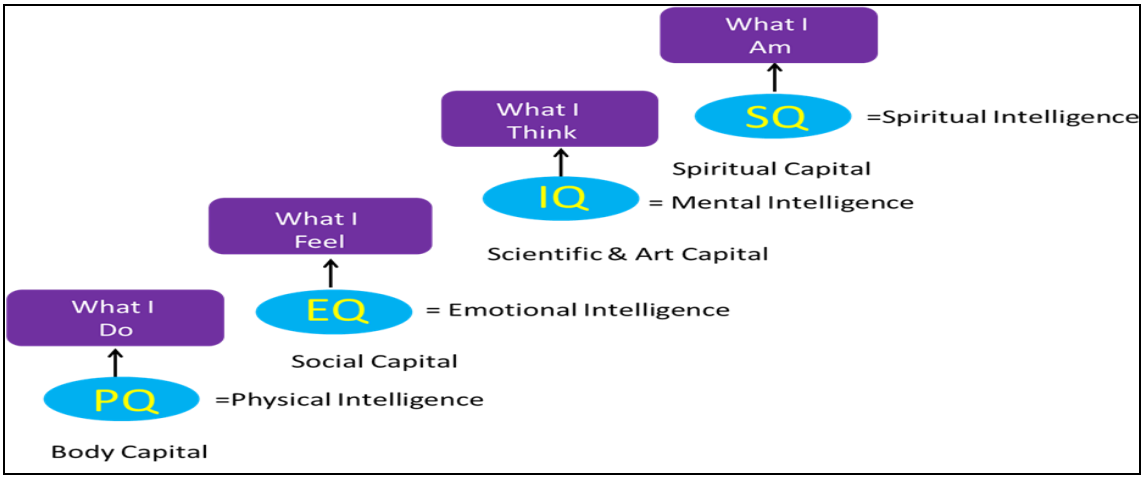
از دیدگاه امروزی می‌توان هویت انسانی را بر اساس تقسیم‌بندی‌های بالا اینگونه عنوان کرد:

۱. پایین‌ترین و درعین حال ملموس‌ترین هویت انسان بدن فیزیکی او است. به این هویت **سرمایه بدنی**[1] گفته می‌شود. اگر بدن انسان به درستی تربیت شود از این سرمایه، هوشی تحت عنوان **هوش جسمانی**[2] به‌وجود می‌آید. این هویت تحت تأثیر ژن‌های به ارث رسیده از پدر و مادر فرد ایجاد شده‌است. شخص بدون این هویت قادر به انجام دادن فعالیت‌های روزانه خود نیست و کارکرد این هویت در پاسخ به پرسش «What do I do?» مشخص می‌شود.
۲. هویت دوم انسان به عنوان بخش هیجانی فرد شناخته می‌شود. اگر این هویت و هیجانات فرد به‌صورت صحیح تربیت شود، به آن هوش هیجانی یا هوش عاطفی[3] گفته می‌شود که تشکیل ثروتی به نام **سرمایه اجتماعی** می‌دهد[4]. افرادی که از هوش اجتماعی بالایی برخوردار هستند، دارای روابط اجتماعی خوبی هستند، در اجتماع منشأ اثر هستند و اشخاص موفقی خواهند بود.
۳. سومین هویت یا هوش انسان، **هوش ذهنی**[5] نام دارد. این هویت، ضریب هوشی افراد را در سنین مختلف به‌صورت درصد مشخص می‌کند و منشأ هنر و علم در انسان است.
۴. چهارمین و آخرین هویت انسان، **هوش معنوی**[6] نام دارد. این هویت جایگاه جسمانی ندارد و به دو صورت «عقل نظری» و «عقل عملی» بیان می‌شود. «عقل نظری» وسیله‌ای برای شناخت و معرفت است و «عقل عملی» ابزاری برای به فعلیت رساندن و اجراکردن کشفیات عقل نظری است(۵).

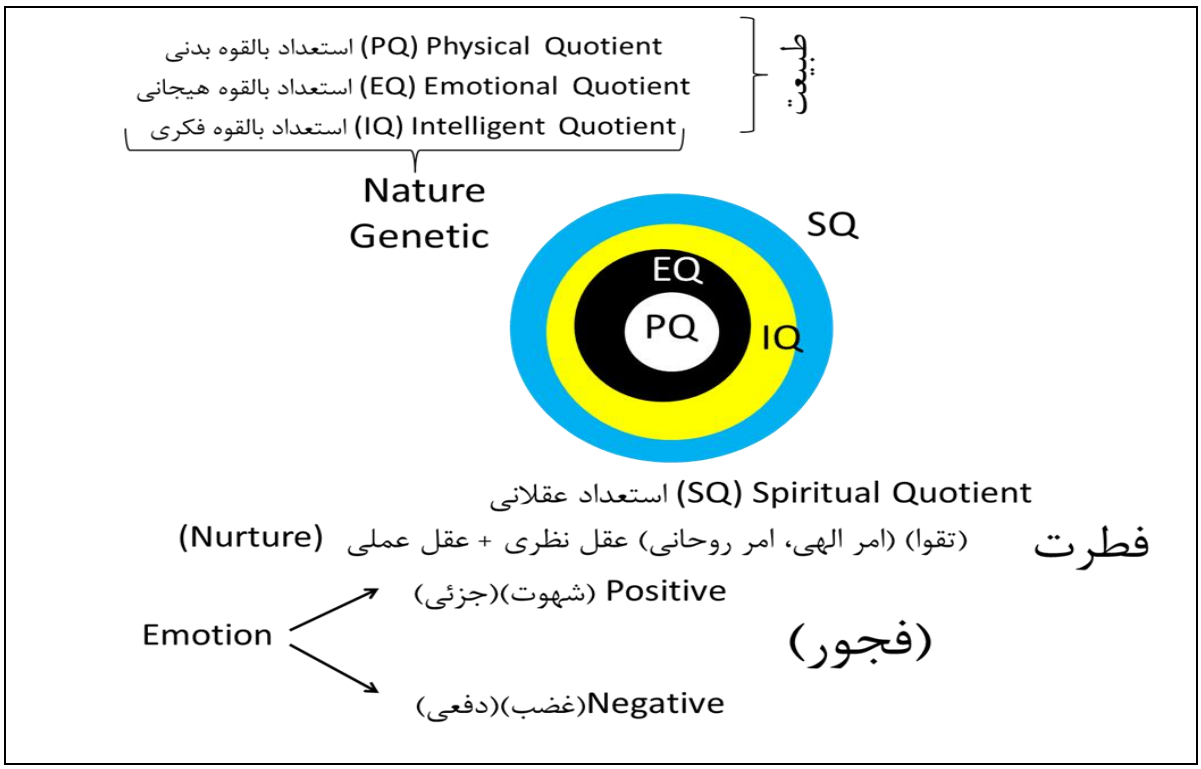
در شکل‌های ۲ و ۳ هویت‌های انسان به صورت دایره‌هایی مشخص شده است که هر دایره بخش و زیرمجموعه‌ای از دایره‌ی دیگر است. این شکل علاوه بر نشان دادن محاط و محیط بودن این هویت‌ها، چند نکته مهم و قابل‌توجه را در قالب رنگ‌های مختلف هر دایره بیان می‌کند:

1. Body Capital
2. PQ «Physical quotient»
3. EQ «Emotional quotient»
4. Social Capital
5. IQ «Mental quotient»
6. SQ «Spiritual quotient»

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]



شکل ۲



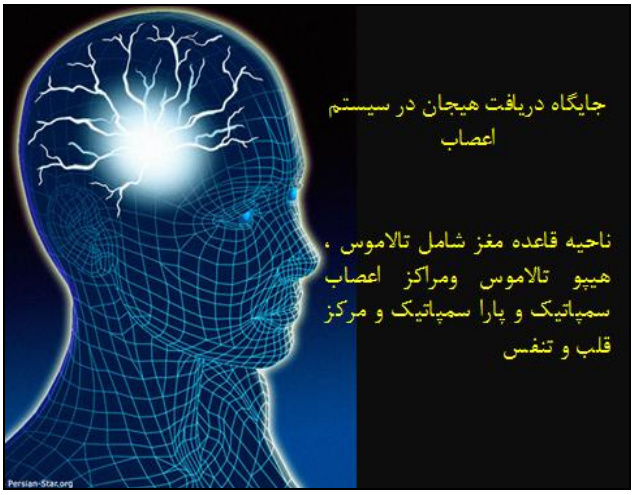
شکل ۳

- هویت جسمانی به رنگ سفید در مرکز مشخص شده است پس این هویت کوچک‌ترین هویت انسان است. هرچند هنوز ابهامات زیادی از این هویت وجود دارد؛ اما طی سالیان زیادی که بشر از ابتدای تاریخ مشغول شناخت جسم خود بوده، نسبت به سایر هویت‌ها علم و دانش بیشتری به آن پیدا کرده‌است؛ بنابراین این هویت به رنگ سفید مشخص شده است.
- هویت هیجانی محیط بر بدن است و به رنگ سیاه مشخص شده است. دلیل سیاه رنگ بودن این هویت آن است که انسان به میزانی که سعی در شناخت جسم خود داشته، به این هویت و هیجانات خود توجه لازم را نداشته و مطالعات چندانی در این حوزه انجام نداده است پس می‌توان گفت هویت هیجانی هم برای خود فرد هم برای دانشمندان تا حد زیادی تیره رنگ و نامشخص است. جایگاه بروز هیجانات در قاعده مغز است.
- قسمت بعد هوش معمولی فرد است و به هشت نوع هوشِ شامل: هوش ریاضی، هوش حافظه‌ای، هوش مدیریتی، هوش هنرهای تصویری، هوش هنرهای تجسمی، هوش هنرهای دراماتیک و هوش نظامی‌گری تقسیم می‌شود. جایگاه این نوع هوش در Cortex مغز است.

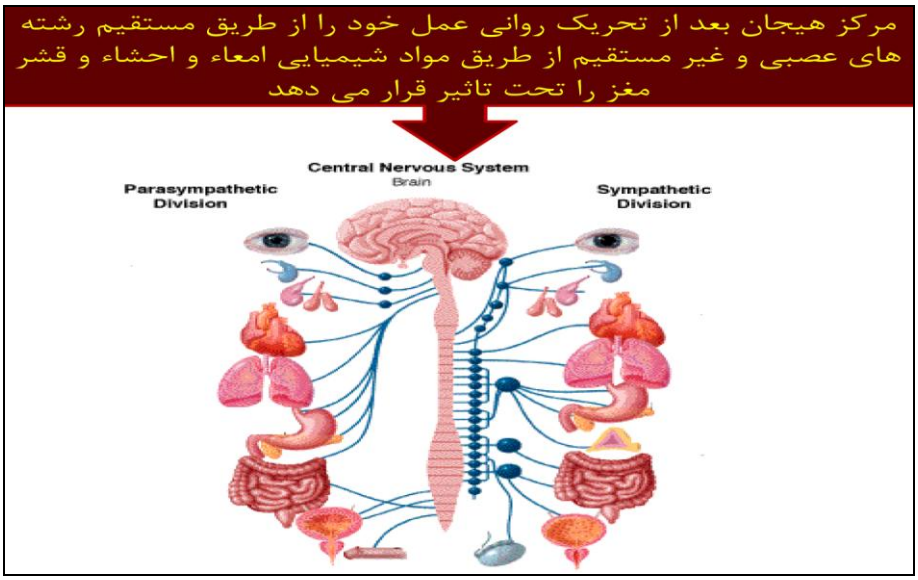
[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]



شکل ۴



شکل ۵



شکل ۶

- هوش بدنی، هیجانی و معمولی را می‌توان در یک مجموعه قرار دادکه به آن Nature «طبیعت» مـی‌گوینـد و براسـاس ژنتیـک فـرد شـکل می‌گیرند. به هویت چهارم انسان، علاوه بر هـوش معنـوی مـی‌تـوان اسامی دیگر مانند، فطرت، عقل نظری، عقل عملی و Nurture داد کـه در قرآن به این مطلب اشاره شده است و هنگامی که بحث از فطـرت انسان می‌شود، گفته شده:
- وَ نَفْسٍ وَمَا سَوّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا و سوگند به نفس و آن که نیکویش بیافریده، سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را به او الهام کرده (آیه ۷و۸ سوره شمس) «فجور»، مربوط بـه Nature انسـان و «تقـوا» مربوط به Nurture (شکل ۴)

در شکل ۵ قسمت قاعده مغز، که با فرمان آن بدن به هیجانات پاسخ می‌دهد نشان داده شده است.

در شکل ۶ مسیر بروز هیجان، در بدن را نشان مـی‌دهـد. زمـانی کـه قاعده مغز شخص تحت اثر عوامل بیرونی تحریک شد، تمام اندام‌های بدن نظیر چشم، غدد بزاقی، قلـب، ریـه، دسـتگاه گـوارش، دسـتگاه ادراری - تناسلی و ... را تحت تأثیر هیجانات قرار مـی‌دهـد. ایـن هیجـان از طریـق رشته‌های عصبی مستقیم سمپاتیک و پاراسمپاتیک و ترشحات هورمـونی ناشی از هیپوتالاموس، هیپوفیز و آدرنال به همه قسمت‌های بدن پخش و بدن برای پاسخ‌گویی به آن آماده می‌شود، به این معنـی کـه اگـر عوامـل محرک اثر تخریبی داشته باشند، فرد از آن‌ها فاصله می‌گیرد و بالعکس اگر اثر خوش‌آیند داشته باشند به سمت آن‌ها میل می‌یابد.

بیماری‌هایی که در ارتباط مستقیم در ایجاد آن‌ها و یا پیشرفت آن‌هـا در اثر عدم تعادل هیجان به وجود می‌آید:

- بیماری‌های پوستی
- بیماری‌های دستگاه عصبی
- بیماری‌های قلبی و عروقی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]



شکل ۷

- بیماری‌های مفاصل و عضلات
- بیماری‌های تنفسی
- بیماری‌های دستگاه گوارش
- بیماری‌های دستگاه ادراری تناسلی

بیماری‌ها می‌تواند از یک زخم و التهاب ساده تا التهابات بسیار مزمن و پیچیده و حتی پدیده سرطان را شامل شود.

طبق مطالعات جدیدی که امروزه تحت عنوان «psychoneuroendocrinology»، در زمینه روح و روان و ریشه یابی بیماری‌ها در انسان انجام شده، مشخص شده است که در اغلب موارد منشأ تمام بیماری‌ها عدم تعادل در سیستم هیجانی فرد است.

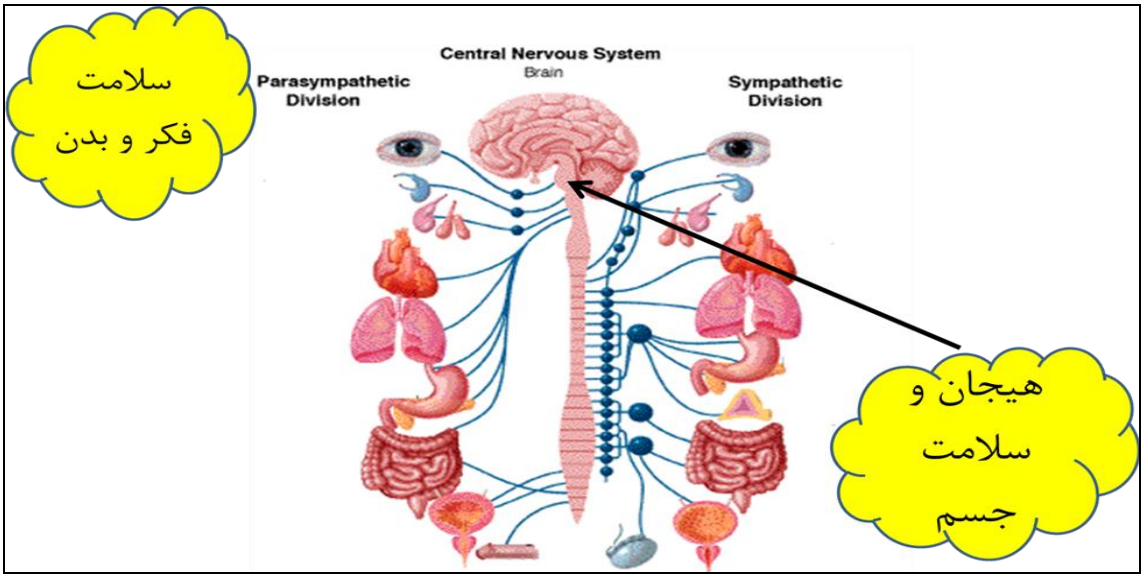
در شکل ۷ نشان‌داده شده نقطه مرکزی در ضایعه‌شناسی جسمانی، پدیده‌ای به نام «Inflammation» است. هنگامی که نقطه‌ای خاص از بدن دچار ضایعه می‌شود، بدن با ایجاد Inflammation در آن نقطه مقدمات ترمیم بافت را به‌وجود می‌آورد. وظیفه ایجاد عفونت در بدن انسان، برعهده سیستم ایمنی او است. در مطالعات اخیر ثابت شده سیستم ایمنی، تحت تأثیر هیجانات قرار می‌گیرد؛ بنابراین زمانی که فرد دچار هیجانات می‌شود، این سیستم از طریق شبکه‌های نورونی و هورمونی آثار خود را در بدن نمایان می‌کند.

شکل ۸ نشان می‌دهد هیجانات نامتعادل چگونه سلامت جسم، فکر و مغز انسان را مختل می‌کند.

نتیجه‌گیری

تاکنون انسان برای کشف عامل بیماری، متوجه عالم بیرون از جسم خود بوده است. او ابتدا بیماری را به عواملی مانند اجنه، اجرام آسمانی مانند ستاره‌ها، ماه و خورشید، عناصر چهارگانه، اخلاط چهارگانه و بعد به عناصر ذرّه‌بینی مانند ویروس‌ها، میکروب‌ها، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ... نسبت داده است. هرچند که تمام این عوامل ممکن است صحیح باشند؛ اما رشته مرکزی این عوامل درون او قرار دارد و تاکنون به جهان دید صحیحی نداشته است. انسان ابتدا باید به خودش و کل کائنات به دید توحیدی و وحدت نگاه کند، سپس از دریچه وحدت به کثرات عالم بیرون نگاه کند، سپس براساس این وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، سلامتی خود را تعریف و فرمولی جامع برای سلامتیش ارائه کند. روند این فرمول در شکل ۹ به خوبی مشخص شده است.

طبق اطلاعات جدیدی که از داروشناسی و روح‌شناسی به‌دست آمده است، سلامت انسان براساس این شکل خلاصه شده است و نقشه آینده پزشکی و سلامت انسان را به خوبی نشان می‌دهد. براین اساس روح فرد از طریق اپی‌ژن بر ژن‌های او اثر می‌گذارد، این ژن‌ها در مرحله بعد سیستم روانی، عصبی، هرمونی و ایمنی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرانجام



شکل ۸

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]



شکل ۹

فرد براساس علائم بـدنی خـود مـوادی بـه نـام دارو را بـرای درمـان اسـتفاده می‌کند. پس برای اثربخش‌تر بودن داروها لازم است ابتدا سیستم‌های ایمنـی، هورمونی، نورونی و روانی شخص درمان شوند و این عمل جز بـا ایجـاد رابطـه صحیح با روح انسان و حفظ سلامت روحانی او مقدور نمی‌شود.

دوائک فیک و لاتشعر ودائک منک و لاتعقل(۱۰)

انسان قرن ۲۱ باید متوجه شود عامل بیماریش خود اوست و درمـان آن نیز نزد خودش است، هرچند تاکنون قوه‌ی درک این موضوع را نداشت اما اکنون برایش مقدور شده‌است.

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادتی ببری(۱۱)

این بیت سلامت و زیبایی را در آینده نشان می‌دهد. براساس این شعر اراده و شناخت انسان، چه به شکل فردی یا جمعی (که به صورت فرهنگ متجلی می‌شود)، می‌تواند سلامت انسان‌ها و کل کائنات را تضمین کند.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم هست کلید در گنج حکیم(۱۲)

خداوند کل کائنات را براساس رحمت رحمانی خود ایجاد مـی‌کنـد و آن‌را توسعه می‌بخشد، سپس براساس صـفت رحیمـی خـود، آن‌هـارا بـه تکامل می‌رساند و انسان را به هدف نهایی خود نائل می‌کند.

مهم‌ترین مسئله این است که نظرات اصیل ابن‌سینا که امروزه نیز بـر سر آن‌ها بحث می باشد می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات انسان‌های امروزه نیز باشد و آن این است که سلامت جسم و نفس بـه سـلامت روح بستگی دارد. نفس انسان رابط میان روح و بدن او است که براساس نظریه ابن‌سینا خداوند (نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی) بدین‌وسیله عقل نظری و عملی به انسان هدیه کرده است.

برای مطالعه بیشتر به مقالات زیر رجوع شود:

1. Avinash De Sousa, Amresh Shrivastava, Charles B. Nemeroff(2019), psychoneuroendocrinology of Resilience: An Overview
2. S Fischer, U Ehlert, cpe. (2019),psychopen. eu: Psychoneuroendocrinology and Clinical Psychology
3. Anthony C. Hackney and Eser Ağgön(2019), Psychoneuroendocrinology and Physical Activity
4. Ann M. Mazzella Ebstein, Lucille Sanzero Eller, Kay See Tan, Cary Cherniss, Jeanne S. Ruggiero, Jeannie P. Cimiotti(2019), The relationships between coping, occupational stress, and emotional intelligence in newly hired oncology nurses
5. Joon Woo Park, Jeung-Whan Han,(2019),targeting epigenetics for cancer therapy, 2019
6. Mosini AC, Saad M, Braghetta CC, Medeiros R, Peres MF4, Leão FC,(2019),Neurophysiological, cognitive-behavioral and neurochemical effects in practitioners of transcendental meditation - A literature review
7. Himmy Mody(2018), Epigenetics and Yoga
8. JA Alegría-Torres, A Baccarelli, V Bollati – Epigenomics,(2011), Epigenetics and lifestyle

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

Ibn Sina's View on Spiritual Health

Maryam Shamsae[1*], Seyed Ziaedin Tabei[2]

Abstract

Background: One of the most important pillars in medical sciences is attention to spirituality and soul of human beings. In the past, physicians learned sciences such as jurisprudence, philosophy, mathematics and astronomy in addition to medicine. Spirituality gives divinity to all things. Therefore, attention to the spiritual aspect and spirituality in human helps battle diseases. The aim of this article was to examine spiritual health from Ibn Sina's point of view.

Methods: This study was a review article and also presents the author's opinions and theories.

Results: Nowadays, scientists pay more attention to spiritual health worldwide. It has long history in the Islamic republic of Iran. Abu Ali Sina's research reveals his deep cognition and Islamic view on spiritual aspect of health. He believed that human body health depends on health of the soul. According to Ibn Sina's theory, spirituality is a gift that God has given to man for theoretical and practical reasons.

Conclusion: Abu Ali Sina believed in the spiritual aspect of health, identified it based on Islamic teachings and recommended its comprehensive effects in medicine and health beside other aspects of health (physical, mental, and social).

Keywords: Avicenna, Minol-Body Therapies, Social Identification, Spiritual Health

منابع

1. Seligman M. Psychopathology. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Savalan; 2000. [In Persian]
2. Ibn Abi Asiba A. The eyes of al-Anba in the categories of doctors (Khazraji). Tehran: Tehran University Publications; 1970.
3. Tarihi F. Bahrain Assembly. Tehran: Al-Mortazavi school; 1996.
4. Copleston F. History of philosophy book - volume six: from Wolf to Kant. Tehran: Soroush; 2007. [In Persian]
5. Ibn Sina H. Warnings and warnings. Translated by Hasan Malekshahi. Tehran: Soroush; 2006.
6. Aristotle. About Aristotle's ego. Tehran: Hekmat; 2010. [In Persian]
7. Qomi A. Tafsir al –Qumi. Qom: Dar-Al-Ketab; 1988.
8. Ibn Sina H. Al-Mubadad and Al-Maadah. Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran - McGill University; 1984.
9. Ibn Sina H. Alnejat. Cairo: Cairo University.
10. Sadruddin Shirazi M. Al-Mashir Al-Ilahiyya. Tehran: Amirkabir; 1985.
11. Ganjur Hafiz Poems. Available at: ganjoor.net/hafez/ghazal/sh452'
12. Ganjur Ganjavi's divan of poems. Available at: ganjoor.net/nezami/5ganj/makhzanol asrar/sh1/

1. * Corresponding Author: Associate Professor of Department of Islamic Educati and Quran, Hadith and Medicine Research Center , Shiraz University of Medical Sciences
2. Professor of Department of Medical Ethics, Shiraz University of Medical Sciences

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]